

چالش‌های سیاسی داخلی فراروی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی^ع

^۱ علی مرشدی زاد
^۲ عباس نوری

چکیده

سؤال اصلی این پژوهش آن است که چالش‌های سیاسی داخلی فراروی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی ^ع کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال اندیشه سیاسی امام در چارچوب نظریه بحران اسپریگنز مورد بررسی قرار گرفت که دارای چهار مرحله می‌باشد: مشاهده بی‌نظمی و بحران، تشخیص علل، تصویر جامعه آرمانی و ارائه راه‌حل و درمان درد. بر اساس یافته‌های پژوهش، از مشکلات و بحران‌های اصلی انقلاب اسلامی در بعد داخلی که می‌تواند انقلاب و نظام اسلامی را از جانب قوای سه‌گانه که از ارکان نظام محسوب می‌شوند مورد آسیب و صدمه قرار دهد می‌توان به تضعیف و تخریب یکدیگر، عدم استقلال و قاطعیت در عمل، عدم قانون-گرایی و توجه به قانون اشاره نمود. عمل نکردن به اسلام و احکام آن (منطبق نبودن عملکردها با احکام اسلامی، ناکارآمدی نظام سیاسی، عدم مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی، در به وجود آمدن این بحران‌ها را می‌توان مهم‌ترین و اصلی‌ترین علل و عوامل این بحران‌ها و چالش‌ها دانست. آرمان مطلوب امام خمینی برای از بین بردن این مشکلات، یک جامعه‌ی آرمانی است که در آن برقراری عدالت اجتماعی، کسب استقلال و قاطعیت، برقراری قانون و حفظ مقررات اسلامی شکل گیرد. در آخر نیز امام خمینی^ع این راه‌حل‌ها را برای رفع بحران‌ها و مشکلات بیان می-

alimorshedizad@yahoo.com
abasnori64@yahoo.com
تاریخ پذیرش: 96/12/25

1. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد
2. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب دانشگاه شاهد
تاریخ دریافت: 96/7/14

نمایند: عمل به اسلام و احکام اسلامی، قانون‌گرایی، مردم‌گرایی. این تحقیق با استفاده از روش تحلیل اسنادی، اسناد و مدارک مربوط را گردآوری کرده است.

واژگان کلیدی

چالش سیاسی داخلی، امام خمینی، انقلاب اسلامی، نظریه بحران اسپریگنز

مقدمه

چالش‌های انقلاب اسلامی ایران، به معنی مشکلات، اشکالات، انحرافات، آفات، بحران‌ها و موانع رشد و کمال انقلاب اسلامی است. مراد از آسیب‌ها و چالش‌ها، اموری هستند که می‌توانند دست‌یابی انقلاب اسلامی را به آرمان‌ها و اهداف خود، کند یا ناممکن سازند.

چالش‌های فراروی نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی از دیدگاه‌های گوناگونی قابل تقسیم است. یکی از این تقسیم‌ها، تقسیم چالش‌ها و آسیب‌ها به داخلی یا درونی و خارجی و بیرونی است.

بر اساس این تقسیم‌بندی در تشریح تهدیدهای داخلی می‌توان گفت که همواره داخل جامعه اسلامی و درون مرزهای جغرافیایی آن، آسیب‌هایی متوجه نظام است. آسیب‌های داخلی به خطرهایی اطلاق می‌شود که ممکن است نظام اسلامی را از درون تهدید کند یا دست‌کم جلوی رشد آن را بگیرد یا مشکلاتی را در جهت حرکت الهی و انقلابی پدید آورد. این خطرها، گاهی از ناحیه کسانی است که مسئول و کارگزار این حکومت هستند و مسئولیت‌ها به صورت امانت به آنها داده شده است تا با احساس مسئولیت، انقلاب را در جهت پیشرفت و تعالی حرکت دهند. حال اگر آنها در این امر خطیر و مهم نتوانند با موفقیت عمل کنند انقلاب با خطرات و بحران‌های بسیاری مواجه خواهد شد.

بدین منظور چالش‌های سیاسی انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی بر اساس چارچوب نظریه بحران اسپریگنز که دارای چهار مرحله‌ی مشاهده بی‌نظمی و بحران، تشخیص علل، تصویر جامعه آرمانی و ارائه راه‌حل و درمان درد می‌باشد مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده در این مقاله برای گردآوری مطالب با توسل به روش اسنادی از تکنیک‌های روش تحقیق کیفی استفاده می‌نماید. حال با توجه به مطالب ذکر شده سؤال اصلی این مقاله آن است که چالش‌های سیاسی

داخلی فراروی انقلاب اسلامی در اندیشه‌ی امام خمینی... کدامند؟

الف) مفاهیم و مبانی نظری

در این مقاله اندیشه‌های امام خمینی... درباره چالش‌ها و آسیب‌های انقلاب اسلامی در چارچوب نظریه بحران و مراحل اندیشه سیاسی اسپریگنز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1) مفاهیم

چالش: شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده‌ی جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل، و مستلزم تلاش سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد (ذوعلم، 1384: 36)

چالش سیاسی: پیامد بحران سیاسی است و بستگی دارد به اینکه چه موضوعاتی سیاسی تلقی شوند، چالش سیاسی از تنوع موضوعی برخوردار می‌شود. به عنوان مثال چنانچه مانند آستین رنی موضوع سیاسی را مسئله‌ای بدانیم در مورد آنچه دولت باید انجام دهد یا ندهد، (رنی، 1374: 275)

چالش سیاسی به متحول شدن وضع موجود در عرصه‌ی سیاست و حکومت نیز اطلاق می‌شود. یعنی وضعیت‌های بحرانی و بی‌تعادلی در این عرصه (عیوضی، 1388: 82).

انقلاب اسلامی: مجموعه تحولات، حوادث و رخدادهایی است که با هدف احیاء تعمیق عقاید و احکام اسلامی در افکار و رفتار فرد و جامعه که منجر به ایجاد نظام سیاسی خاص در سال 1357 در ایران گردید اطلاق می‌شود (حشمت زاده، 1371: 35).

ب) مبانی نظری: نظریه بحران

اسپریگنز در کتاب خود با عنوان فهم نظریه‌های سیاسی روشی را ارائه نموده که ابزار تفکر منطقی درباره‌ی مسائل سیاسی و اندیشمندان سیاسی را فراهم کرده است. وی مدعی است که اندیشه‌ی اندیشمندان سیاسی هر دورانی به شدت تحت تأثیر مشکلات و بحران‌های محیط سیاسی و پاسخ به آنها شکل می‌گیرد. از آنجا که نظریه‌های سیاسی نیز به موضوعات عملی و روزمره سیاست مربوط می‌شوند آنها تلاش می‌کنند که تصویری جامع و درکی نسبی از سیاست ارائه دهند. به همین دلیل مشکلات و بحران‌ها، نقطه‌ی آغاز نظریه سیاسی است.

کوشش‌های اسپریگنز در راستای فهم نظریه‌های سیاسی، که باید خط تمایزی میان آن و روش اندیشیدن سیاسی ترسیم کرد، چهارچوبی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی ارائه می‌دهد که به مدد آن می‌توان منطق درونی هر نوع نظریه پردازی را کشف نمود. از دید وی هدف نظریات سیاسی،

فراهم ساختن بینشی همه جانبه از جامعه سیاسی با نگاهی انتقادی به منظور درک و فهم پذیر شدن آن و فهم نارسایی‌ها و کاستی‌های آن و بازگرداندن سلامت به جامعه از طریق مواجهه با ریشه‌های بی‌نظمی و غلبه بر آنهاست به عبارت دیگر می‌توان هدف و غایت نظرات سیاسی از دید اسپریگنز را نوعی درمان روانی جامعه سیاسی دانست (اسپریگنز، 1379: 64 و 22).

نظریه بحران توماس اسپریگنز چهار مرحله دارد که به شکل‌گیری نظریات سیاسی می‌انجامد.

1. مشاهده‌ی بی‌نظمی و بحران

در مرحله اول نظریه پردازان از بحران‌های سیاسی که جامعه با آنها درگیر است آغاز می‌کند. اکثر نظریه پردازان آثار خود را زمانی نگاشته‌اند که به طور فزاینده احساس می‌کردند که جامعه‌شان دچار بحران است، نظریه‌های سیاست نه در شرایط عادی بلکه به هنگام نابسامانی‌ها و بحران‌ها صادر می‌شود، بحران گاه روشن و واضح است و گاه در شناسایی آن اتفاق نظر نیست، گاه نیز ممکن است بسیار محدود باشد و ناپیدا و حتی درباره وجود آن در برخی مواقع اتفاق نظر نباشد. از این رو بحرانی که صدور نظریه‌های سیاسی را موجب می‌شود ممکن است در مواقعی سطحی و فردی باشد، نه کلی و عالم‌گیر. بنابراین به منظور فهم افکار نظریه پرداز سیاسی، اولین سؤال این است که مشکل او چیست و از نظر او چه چیزی فاسد است و مخرب؟ چه چیزی او را برانگیخته تا تعمق و تفکر ذهنی را به صورت نظریه‌های سیاسی منسجم به تحریر درآورد.

2. تشخیص علل و ریشه‌یابی مشکلات

مشاهده بی‌نظمی عقل و احساس را به تحریک انداخته و وی را به سوی مرحله دوم که تشخیص آن است سوق می‌دهد، نظریه پرداز در این مرحله شک و تردید را در درون خود گسترش و تعمیم داده و به جستجوی علت اصلی مشکلات و نابسامانی‌ها که اغلب نهان از دیدها هستند می‌پردازد. نظریه پرداز در این مرحله به مطالعه بیشتر پرداخته و به دنبال سرنخ‌ها می‌گردد، در این مرحله دو پرسش مطرح می‌شود: اول اینکه اگر اوضاع نامرتب است دلایل آن چیست؟ دوم اینکه اوضاع مرتب چه خصوصیتی دارد؟ بنابراین صرف تشخیص علل مشکل‌ها و بحران‌ها کافی نیست و باید ریشه‌های بنیادی آن را کشف کرد. نظریه پرداز بدون روشن شدن علل واقعی مشکل نمی‌تواند پیشنهادهای مناسبی برای درمان یا تسکین مشکل ارائه دهد (اسپریگنز 1379، 79 - 80)

3. نظم و خیال؛ بازسازی جامعه

در این مرحله نظریه پرداز به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی پرداخته، آرمان شهری در ذهن تجسم

کرده و افکارش را به صیقل علم، قابلیت‌ها، امکانات و واقعیت‌ها می‌آراید. معیاهایی که نظریه پرداز برای جامعه باز سازی شده آرمانی خود در نظر می‌گیرد هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز است. نظم‌های هنجاری باز سازی شده ترکیبی از نوع آوری و اکتشافات است. هدف این مرحله ایجاد رابطه‌ای بین شخص و محیط سیاسی است بدین ترتیب نظریه پرداز باید الگوی جامعه خوب را در ذهن خود تجسم کرده و معیاری از آن به دست دهد؛ به این ترتیب نظریات سیاسی در واقع تصویرهایی نمادین از جامعه بعد از بازسازی شدن ارائه می‌دهد (اسپریگنز، 1379: 122 و 119)

4. ارائه راه حل و درمان

در مرحله آخر اسپریگنز راه درمان را با طرح شکاف «آنچه باید باشد» و «آنچه هست» پی می‌گیرد او معتقد است به دلیل توجه انسانها به حقایق حتی ساده‌ترین عبارات در این باره رگه‌هایی از تجویز را در خود نهفته دارد. بدین قرار نظریات سیاسی، با بیش جامع خود از نظم سیاسی، نتایج تجویزی مهمی را دربردارند و شامل ارزیابی قابلیت‌ها، امکانات و ضرورت‌ها و حقایق هستند (اسپریگنز، 1379: 189)

5. بی‌نظمی و مشاهده بحران خارجی از نظر امام خمینی

5-1. تضعیف و تخریب یکدیگر

در قانون اساسی برای هر نهادی وظایف و مأموریت‌هایی پیش‌بینی شده که بایستی با تمام قوا آن را انجام دهند و در امور یکدیگر دخالت نداشته و همدیگر را تضعیف و یا تخریب نکنند. تضعیف هر یک از نهادها مانع پیشرفت کشور می‌شود و نهایتاً آسیب‌هایی را برای نظام به دنبال خواهد داشت. این چالش اساسی بین قوا و موضع‌گیری آنان در برابر قوه دیگر یکی از مواردی است که امام خمینی در بیانات خود بارها به آن پرداخته و هشدارهایی داده‌اند. ایشان تضعیف و تخریب سیاست‌های یکدیگر را برخلاف مصالح کشور و موازین اسلامی می‌دانند.

«ما اگر بخواهیم برای کشورمان برای اسلام پیروزی حاصل شود باید کارشکنی نکنیم از هم ... بنای بر این نباشد که مجلس دولت را تضعیف کند و بنای بر این نباشد که دولت مجلس را تضعیف کند. تضعیف هر یک تضعیف خودش هم هست ... و امروز صلاح نیست» (موسوی خمینی، 1386، 12: 347).

و در جای دیگر نیز می‌فرمایند: «اگر خدای ناخواسته بین ... دولت یا جامعه با مجلس یا مجلس با دولت اختلاف بشود شکست می‌خوریم.» (موسوی خمینی، 1386، 19: 304)

امام خمینی ره برای حفظ مکتب اسلام و انقلاب اسلامی ایران همکاری و وحدت مسئولان قوا را خواستار است و عقیده دارد اگر آنها در جهت حفظ اسلام تلاش کنند و به تضعیف علیه یکدیگر اقدام نکنند این مکتب و نظام آسیب نخواهد دید، در غیر این صورت آسیب حتمی است. (موسوی خمینی، 1386، 13: 77)

حضرت امام خمینی این اقدامات عیله یکدیگر را هر چند اندک به سود ابرقدرت‌ها و دشمنان انقلاب اسلامی می‌دانند و به وزرا و نمایندگان مجلس نسبت به این امر هشدار می‌دهند که صدمه دیدن وحدت روش و تضعیف سیاست‌های یکدیگر نظام نوپای اسلامی را از حالت تعادل خارج نموده و به سوی بی‌ثباتی خواهد برد. (موسوی خمینی، 1386، 21: 65)

ایشان تضعیف قوه قضاییه را از طرف کسانی که در اداره حکومت نقشی دارند را به صلاح نمی‌داند و در این مورد به عموم مردم و بالأخص مسئولین نظام تذکراتی می‌دهند و می‌فرماید: «... تضعیف قوه قضاییه صلاح نیست و باید قوه قضاییه را تقویت نمود» (موسوی خمینی، 1386، 19: 121)

بنابراین در جمهوری اسلامی ایران هیچ دستگاهی حق ندارد یک دستگاه و یک رکن دیگر را تضعیف کند و در مسیر حرکت آن سنگ اندازی نماید، چراکه ضرر و آسیب آن به همه می‌رسد و امور مملکتی بر زمین خواهد ماند. قوای سه‌گانه کشور باید با یکدیگر تعامل داشته باشند و در رفع نیازهای یکدیگر و کمک به هم بکوشند که اگر خلاف این امر صورت بگیرد عواقب بسیار بدی برای کشور خواهد داشت.

5 - 2. عدم استقلال و قاطعیت در عمل

در قانون جمهوری اسلامی ایران هیچ ارگان یا مقامی حق مداخله در مسئولیتها و وظایف دیگر نهادها و قوا را ندارد مگر در جایی که خلاف شرع یا قانون عملی انجام شود. امام خمینی دخالت قوا در امور یکدیگر را موجب هرج و مرج دانسته و معتقد است همه قوا می‌بایست در حیطة اقتدار خود به انجام وظیفه بپردازند. در واقع دخالت قوا در امور یکدیگر علاوه بر این که موجب تمرکز قدرت در یک نهاد می‌گردد، امور عمومی را از مجاری قانونی خود خارج می‌سازد و همین امر اسباب هرج و مرج و گسستگی اوضاع را پدید می‌آورد. ایشان در این زمینه به مسئولان و کارگزاران قوا می‌فرمایند:

«فقط سعی کنند هر یک وظیفه خویش را خوب انجام دهند و در محدوده وظیفه قوای دیگر داخل نشوند تا استقلال هیچ یک از قوا خدشه‌دار نشود. ...

این قوا ... مستقل و مجزا از هم هستند و هر کدام باید کار خودشان را انجام بدهند. ...» (موسوی خمینی، 1386، 13: 117)

امام خمینی ؑ در دوران رهبری خود همواره بر عدم دخالت در امور و وظایف یکدیگر تأکید داشته و عمل نکردن مسئولان نظام در چارچوب محدوده وظایفی خود را باعث از هم پاشیدگی نظام می‌دانند. ایشان در این مورد به وزرا توصیه می‌نمایند که هر مسئول و هر کسی که به نظام اسلامی متعهد است باید در پیش برد نظام در حیطة و محدوده وظایف محوله‌ی خود عمل نماید و دخالت در کار یکدیگر خارج از چارچوب اختیارات و وظایف حتی اگر به رشد و توسعه کار در جای دیگر منجر شود مورد قبول نیست چراکه این کار ضرر و آسیب بیشتر از رشد کار در نقطه‌ی دیگر است. (موسوی خمینی، 1386، 21: 64)

ایشان در جایی دیگر نیز بر انجام وظایف خود و عدم دخالت در وظایف یکدیگر را گوشزد می‌کنند و آن را یک وظیفه شرعی - الهی می‌دانند و تخطی از آن را باعث از بین رفتن نظم مملکت و نیز مانعی برای حرکت به سمت پیشرفت و تعالی مملکت قلمداد می‌نمایند. (موسوی خمینی، 1386، 13: 62)

امام خمینی بیش از هر قوه‌ای بر استقلال قوه قضاییه تأکید دارند و عقیده دارند که این قوه با حیثیت و آبروی مردم سروکار دارد و به همین دلیل قضات در انجام امور و دادن حکم برای احدی تحت تأثیر دیگران قرار نگیرند و به توصیه‌ها از طرف هر مقامی و منصبی بی‌اعتنا باشند که اگر غیر از این باشد موجب آسیب دیدن و خدشه‌دار شدن قوه قضاییه و قضات خواهد شد و اعتبار خود را از دست خواهند داد و این به مملکت آسیب خواهد رساند. (موسوی خمینی، 1386، 10: 271 - 272)

5 - 3. عدم قانون‌گرایی و توجه به قانون

قانون‌شکنی و بی‌توجهی به قانون از طرف هر کس یا هر مقامی که باشد، امری بسیار ناپسندیده است به ویژه اگر از سوی کسانی باشد که خود برای اجرای و عمل به قانون و ترویج آن در سطح جامعه انتخاب یا منصوب شده باشند. قانون‌شکنی و توجه نکردن به آن باعث به وجود آمدن خطرات بسیاری از جمله استبداد و خودرأیی و ... خواهد شد و این خطری برای وحدت و انسجام و اعتماد جامعه و مسئولان آن است. این خطر در جامعه‌ای که بر اساس اعتماد متقابل مردم و مسئولین شکل گرفته بیش از سایر جوامع آسیب به دنبال خواهد داشت. امام خمینی ؑ نسبت به رعایت حد و حدود و انجام و عمل به قانون اسلام برای همه بخصوص قوای سه‌گانه تأکید دارند و عمل کردن

برخلاف قانون را خلاف اسلام می‌دانند و آن را آسیب جدی برای مملکت اسلامی می‌دانند. ایشان معتقدند حدود اختیارات همه‌ی مسئولین اعم از رئیس جمهور، وزرا و مجلس و قوه قضاییه و ... در قانون مشخص شده است و باید طبق آن عمل نمایند و هر کسی در هر مقامی از این حد تجاوز نماید من مخالف آن هستم حتی اگر همه‌ی مردم با آن موافقت نمایند. (موسوی خمینی، 1386، 14:377)

و در جای دیگر نیز می‌فرمایند: «در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصاً قانونی که قانون اسلام است، این کشور را نمی‌توانیم اسلامی حساب کنیم. کسانی که با قانون مخالفت می‌کنند اینها با اسلام مخالفت می‌کنند» (موسوی خمینی، 14:414)

امام خمینی ؑ عقیده دارند توجه به قانون و عمل به مقررات باید سرلوحه‌ی کار مسئولان باشد. بی‌توجهی به قانون، هرج و مرج را به همراه خواهد داشت و درعین حال، مردم نخواهند توانست تا به امور جاری خود برسند. ایشان قوه مجریه را به عنوان اجراکننده‌ی قانون دارای جایگاه ویژه‌ای می‌دانند و عقیده دارند غیرقانونی عمل کردن این قوه نگرانی را به دنبال خواهد داشت و به تدریج این امر موجب بوجود آمدن مشکلات بسیار و ایجاد غائله خواهد شد. حضرت امام عقیده دارند اگر یک قانون مترقی و مفید برای جامعه که توسط مجلس و شورای نگهبان تنفیذ شود و نیز توسط وزیر مربوط ابلاغ بشود ولی در عمل به دست افراد غیر صالحی بیفتد که غیر قانونی و بر خلاف مقررات عمل نمایند و عمداً بخواهند مردم را نگران و یا ناراحت کنند، باعث ایجاد هرج و مرج و غائله خواهد شد. (موسوی خمینی، 1386، 21:426).

امام خمینی قضات را نیز به عمل به قوانین و موازین اسلامی توصیه می‌نمایند و با بزرگ خواندن مسئولیت آنها، تخلف و عملکرد غیرقانونی و ناصحیح آنها را علاوه بر آسیب به مردم و وجهه قضات موجب آسیب جدی جمهوری اسلامی ایران و اسلام می‌دانند. ایشان مسئله قضاوت را بسیار خطیر می‌دانند چرا که عقیده دارند آنها با جان و مال و ناموس مردم سرو کار دارند و اگر شایسته و دقیق عمل نکنند علاوه بر اینکه وظایف خود را به لحاظ شرعی درست انجام نداده‌اند موجب صدمه به وجهه جمهوری اسلامی شده که این آسیب و ضربه نه تنها جمهورییت نظام بلکه اسلامیت آن را مورد خدشه و صدمه قرار خواهد داد و موجب مشوه شدن چهره جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. (موسوی خمینی، 1386، 10:270)

ایشان در همین زمینه به نمایندگان مجلس نیز توصیه می‌کنند که در تصویب و رأی دادن به یک امر و طرح در مجلس به صورت قانونی و طبق اصول عمل نمایند. بی‌توجهی به قانون در

تصویب هر طرح و لایحه‌ای موجب نزول مقام مجلس و نیز وهن آن است. امام در این زمینه می‌فرماید:

«حضرات نمایندگان محترم کوشش نمایند که امر مخالف با شرع و قانون اساسی به تصویب نرسد؛ که علاوه بر آنکه رأی بر ضد قوانین الهی دادن خود گناه است، بی‌شک شورای محترم نگهبان آن را رد می‌کند و موجب عقب افتادن کارها می‌شود.» (موسوی خمینی، 1386، 18: 464)

«توجه به این معنا بکنید که مسائل را طوری طرح بکنید ... که در شورای نگهبان رد نشود؛ ... این وهن برای مجلس می‌آورد» (موسوی خمینی، 1386، 17: 251)

6. تشخیص درد وریشه‌یابی آسیب‌ها و چالش‌های سیاسی داخلی از نظر امام خمینی

6-1. عمل نکردن به احکام و احکام آن (منطبق نبودن عملکردها با احکام اسلامی)

کارگزاران و مسئولین نظام اسلامی، برای تحقق اسلام و خدمت صادقانه و عادلانه به مردم، انتخاب و منصوب شده‌اند. در واقع به همین دلیل است که مشروعیت یافته‌اند. هر نوع کوتاهی و بی‌توجهی به در اجرا و پیاده‌سازی احکام اسلامی و منطبق نمودن وظایف و عملکردهای آنان با مقررات اسلامی، خطری بزرگ است که نظام را از سوی مسئولین تهدید می‌کند. این تهدید و خطر باعث سستی در انجام وظایف و خدمتگزاری به اسلام و نظام اسلامی خواهد شد. امام خمینی عمل به اسلام و احکام اسلامی را یک اصل قلمداد می‌کنند و عقیده دارند اگر خلاف آن عمل شود اوضاع بهم می‌خورد و خطر بزرگی بوجود می‌آید و در این باره به مسئولین و مجریان و مدیران کشور و نظام اسلامی در قوه مجریه می‌فرماید:

«ما مطیع اسلام هستیم و احکام اسلام را می‌خواهیم جاری بکنیم. اگر دروزارتخانه‌ای، اگر در جایی، احکام اسلام بخواهد جاری نشود، ما در وزارتخانه را می‌بندیم. وزارتخانه‌ای که ضرر داشته باشد برای اسلام، برای حکومت اسلامی، به چه درد ما می‌خورد.» (موسوی خمینی، 1386، 13: 50 - 51)

مجلس نیز باید یک جهت‌گیری کلی به سوی هدف‌ها و شعاير و احکام اسلامی داشته باشد. تحقق آرمان‌های اسلام یکی از اهداف بسیار مهم مجلس به‌شمار می‌رود و نمایندگان آن باید قوانینی مطابق با اسلام تصویب نمایند و در تمام شئون در جهت اسلامی کردن مجلس تلاش کنند. امام خمینی در این مورد حساسیت بسیاری داشتند و در امر قانون‌گذاری بر اسلامی بودن آن تأکید

دارند و مصوبه‌ها و طرح‌های غیراسلامی را خطری برای مجلس و اسلام و موجب عقب افتادن کارها و گناهی بزرگ می‌دانند. (موسوی خمینی، 1386، 18: 464) و در جای دیگر نیز می‌فرمایند:

«و نمی‌توانید اگر یک مطلبی را در مجلس بگذرانید و - خدای نخواستہ - متخلف باشد از اسلام، نمی‌توانید شما عذر برای خودتان پیدا بکنید و اگر یک قدم، قضات محترم و شورای قضایی - خدای نخواستہ - بر خلاف آنچه مقرر است بردارد آن هم معذور نیست و مؤاخذ است» (موسوی خمینی، 16: 279)

2. ناکارآمدی نظام سیاسی

کارآمدی نظام سیاسی از مباحث بسیار مهم در اندیشه سیاسی است که به نوعی می‌تواند تعیین کننده میزان مشروعیت آن باشد. هرچند حکومت‌ها از حیث منشأ، مشروعیت لازم را در اعمال قدرت و حاکمیت دارا هستند، اما اگر نتوانند در عرصه عمل کارآمدی لازم را داشته باشند، دچار بحران ناکارآمدی و به دنبال آن، نارضایتی عمومی مردم و در نتیجه بحران مشروعیت و مقبولیت و ... خواهند شد. (رضوانی، 1384: 184)

نظام سیاسی گسترده‌ترین و کلان‌ترین ساحت یک نظام اجتماعی است و دستیابی به کارآمدی این نهاد، سایر اهداف نظام اجتماعی را تأمین می‌نماید. اهمیت کارآمدی در نظام سیاسی به حدی است که می‌توان علل وقوع بسیاری از انقلاب‌ها و بی‌نظمی‌ها را حاصل ناکارآمدی آن دانست (صدرا و کرم زادی، 1388: 122)

نظام سیاسی، وقتی کارآمدی دارد که بتواند وظایفی را که بیشترین مردم یا حکومت شوندگان از آن متوقع‌اند، انجام دهد و وظیفه اصلی یک نظام سیاسی، پشتیبانی همه جانبه از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، مادی و معنوی همه شهروندان، به ویژه پاسداری از آسایش و امنیت تک تک آنان در اجتماع است (قائدی، 1383: 299)

از نظر امام خمینی ؑ کارآمدی دارای مؤلفه‌های مهمی نظیر مردمی بودن حکومت، عمل به قانون، توجه به مصلحت نظام، شایسته سالاری و ... دارد (صدرا و کرم زادی، 1388: 135) که اگر این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها توسط مسئولین که در نظام سیاسی مشغول به انجام وظیفه هستند به خوبی انجام نگیرد موجب بحران و بی‌نظمی و آسیب‌هایی خواهد شد.

6 - 3. عدم مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی

مشروعیت به معنای فرمان‌بری داوطلبانه و پذیرش آگاهانه‌ی مردم از تصمیمات قدرت سیاسی حاکم

و بر حق بودن آن است. یعنی هر چه احساس رضایت شهروندان به حکومت بیشتر باشد مشروعیت نظام بالاتر و بیشتر است. در مشروعیت سیاسی رفتار مردم در قبال اوامر حکومت و نیز کسب رضایت مردم یک اصل اساسی است. مقبولیت نیز به معنای پذیرش، قبول و انتخاب حاکمان از طرف مردم برای اعمال حاکمیت و اجرای دستورهای یک نظام سیاسی است (اکبری معلم، 1383: 111 - 112)

مشروعیت نظام سیاسی در اندیشه امام بردو پایه‌ی شرعی و مردمی متکی است که با عنوان مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی از آن یاد می‌شود. امام خمینی مشروعیت را ناشی از مردم نمی‌داند بلکه مقبولیت را ناشی از رأی و نظر مردم می‌داند. ایشان حکومت و نظام سیاسی را که فاقد این دو باشد را حکومت طاغوت می‌نامد و می‌فرماید: «هر نظام سیاسی نامشروع حاکمیت طاغوت است. هر نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک‌آمیز است - چون حاکمش طاغوت است» (موسوی خمینی، بی‌تا: 35)

از نظر امام تنها منبع مشروعیت حکومت اسلامی قانون الهی یا اراده خداوند است. بدین جهت اراده مردم به هیچ وجه منبع مشروعیت نظام سیاسی اسلام نیست. امام همواره بر نقش مردم در امور مختلف تأکید داشتند و هیچگاه بر آن نبودند که اراده مردم را نادیده بگیرند. نقشی که امام برای مردم در نظر گرفتند نقشی ایجاد کننده و پشتیبان می‌باشد (سلیمان نژاد، تاریخ انتشار 1379، کد مطلب: 53823)

امام تعیین سرنوشت و نیز تعیین نوع حکومت برای مردم را از حقوق اولیه هر ملتی می‌دانستند و عقیده داشتند که باید این امر توسط خود مردم تحقق یابد. (موسوی خمینی، 4: 367)

بنابراین، ایشان مشروعیت دینی را از مشروعیت سیاسی جدا نمی‌بیند و حفظ مردم را عظیم‌ترین پشتوانه و سرمایه برای یک نظام اسلامی برمی‌شمارد.

با توجه به مطالب ذکر شده، روشن شد که نقش ملت در حکومت اسلامی، تنها نقش آفریننده و ایجادکننده است، نه نقش ارزش دهنده و تعیین کننده عدل و شایستگی؛ زیرا با توجه به اینکه نظام اسلامی بر مبنای قوانین الهی و شرعی است، پس مشروعیت و ارزش خود را از این نظر به دست می‌آورد (نک: اراکی، 1389)

بنابراین، در دیدگاه امام خمینی، اعتبار رأی مردم در چارچوب قوانین اسلامی است و حکومت اسلامی نیز بر اساس عدل و دموکراسی و نیز براساس قواعد اسلام بنا شده است. (موسوی خمینی، 1386، 5: 133)

به این ترتیب، در نظام سیاسی اسلامی، ملت، نقش و جایگاه منبع قدرت دارد و حکم خداوند، منبع مشروعیت است. به عبارت دیگر، امام خمینی معتقدند مشروعیت نظام اسلامی، مبنای الهی مردمی دارد (نک: محمدی، 1380: 157)

امام خمینی در واقع بر اساس مبانی حکومت اسلامی و مدل حکومتی مورد نظر خود به نظر و انتخاب مردم اهمیت بسیاری قائل می‌شوند. در نظر ایشان حکومت اسلامی یک حکومت تحمیلی بر مردم نیست. در واقع اسلام و رسول اکرم α اجازه دیکتاتوری رفتار کردن را نمی‌دهد. امام خمینی عقیده دارند ما تابع رأی ملت هستیم و حق تحمیل و یا زورگویی به ملت را نداریم. (موسوی خمینی، 1386، 11: 34)

و در جای دیگر نیز بر انتخاب و دخالت مردم در امور خود تأکید می‌کنند:

«باید مردم خودشان یکی را تعیین کنند که او دخالت کند در امورشان؛ هر وقت او را نخواستند، بگویند برو گم شو! ...» (موسوی خمینی، 4: 493 - 494)

و در جای دیگر نیز می‌فرمایند: «مجلسی که بدون اطلاع مردم است و بدون رضایت مردم است، این مجلس مجلس غیر قانونی است» (موسوی خمینی، 1386، 6: 13)

علاوه بر آنکه تعیین نوع و شکل حکومت در چارچوب موازین اسلامی بر عهده مردم است، هر نظام سیاسی مشروع تنها با پشتیبانی مردم می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. امام سقوط و یا بقای یک حکومت را در گرو پشتیبانی مردم می‌دانند و عقیده دارند اگر مردم از یک حکومت حمایت کنند هیچ‌گاه سقوط نمی‌کند. (موسوی خمینی، 1386، 8: 372)

با توجه به فرمایشات امام اگر نظام سیاسی کشور ما فاقد مشروعیت و مقبولیت باشد باعث به وجود آمدن مشکلات بسیار و آسیب رساندن به مملکت و مردم و باعث مستبد و خودرأی شدن مسئولان آن و دخل و تصرف در جان و مال مردم و بی‌توجهی به مشکلات آنها و مسائل بسیار دیگری خواهد شد.

7. نظم و خیال؛ بازسازی جامعه داخلی از نظر امام خمینی III

7-1. برقراری عدالت اجتماعی

از ویژگی‌های یک جامعه مطلوب و آرمانی برقراری عدالت اجتماعی در جامعه است. یکی از

مهمترین شاخص‌های حکومت مطلوب در اندیشه‌ی امام خمینی ﷓ برقراری و استقرار عدالت و قسط توسط حکومت است؛ به طوری که عدالت در همه تار و پود آن ریشه دوانیده و در کل وجود و ابعاد گوناگون آن چون ساختار، اهداف، وظایف، مسئولیتها، عملکرد و کنشهای زمامداران و حکومت تجلی یابد. (جمشیدی، 1379: 91 - 126)

امام خمینی برنامه جمهوری اسلامی ایران را نیز برقراری عدالت عنوان می‌نماید. ایشان به دولت‌مردان توصیه می‌کنند که دولت جمهوری اسلامی باید با همه اقشار جامعه با عدالت و به طور یکسان رفتار نمایند (موسوی خمینی، 9: 72)

امام خمینی ﷓ حکومت را به عنوان ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی مطرح کرده است و از آنجایی که هدف اصلی در اندیشه سیاسی امام خمینی ﷓ رساندن انسان به سعادت است، برای تحقق این امر نیاز به ابزاری است که این ابزار همان حکومت است و سعادت انسان هم چیزی جز ایجاد حکومت عدل نیست و هدف همه انبیا هم همین بوده است.

امام خمینی ﷓ ارزش حکومت را در عادلانه بودن آن می‌داند و عقیده دارند که حکومت ذاتاً دارای شأن و منزلت نیست و آن را ابزاری برای اجرای احکام تلقی می‌نمایند و ارزش متصدی و مجری آن را در اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه می‌داند (موسوی خمینی، بی تا: 54 - 55)

حضرت امام ﷓ ابزاری بودن حکومت برای اجرای عدالت را بر سه پایه مهم: 1. تدوین قانون براساس عدالت یا به معنای تبدیل عدالت نامکتوب به عدالت مکتوب و مدون. 2. اجرای قوانین براساس عدل. 3. نظارت عادلانه بر اجرای قوانین دانسته و معتقد است که حکومت این سه وظیفه اصلی را برعهده دارد. (جمشیدی، 1388: 606)

از نظر امام خمینی ﷓ عدالت اساس و بنیان حکومت مطلوب است. آنچه از نظر ایشان اهمیت والایی دارد، عدالت اجتماعی است. اجرای عدالت اجتماعی دستوری از جانب خداوند حکیم است که باید برای اجرای آن حکومت مطلوب را ایجاد کرد، چون خداوند جهان آفرینش را عبث نیافریده است بلکه آن را بر اساس عدالت ایجاد کرده است. امام خمینی ﷓ از جمله فقهای است که بین عدالت و حکومت مطلوب رابطه برقرار کرده و شاخص اصلی حکومت مطلوب را عدالت می‌داند.

در اندیشه ایشان آرمان و هدف کلی در یک اجتماع رسیدن به عدالت اجتماعی است که از طریق ایجاد حکومت مطلوب به وجود می‌آید. ایشان جمهوری اسلامی را متصدی این امر دانسته و عقیده دارد که با عدل اسلامی که در جمهوری اسلامی برقرار می‌شود همه در رفاه و استقلال و آزادی به

سر خواهند برد. (موسوی خمینی، 1386، 7: 115)

از نظر امام علیه السلام مطلوبیت حکومت با خصلت عدالت اجتماعی شناخته می‌شود. ایشان حکومت جمهوری اسلامی را حکومت عدالت می‌خواند و عقیده دارد که در این حکومت حاکم باید دارای ویژگی‌ها و خصلت‌های بارزی باشد و از دست‌اندازی به بیت المال و خیانت به آن اجتناب ورزد. به نظر رهبر انقلاب این نوع حکومت در هر جامعه‌ی بشری مورد استقبال و پذیرش قرار خواهد گرفت. (موسوی خمینی، 1386، 3: 509)

و در جای دیگر نیز می‌فرماید: «ما یک حکومت عدل می‌خواهیم، حکومت عدل اسلامی می‌خواهیم. این هم آرزوی هر آدمی است که یک حاکمی باشد برای آن حکومت بکند که بعد از چند وقتی جیبهایش را پر نکند و از این مرز برود» (موسوی خمینی، 1386، 6: 91)

از نظر امام خمینی علیه السلام حکومت مطلوب، حکومتی است که مبتنی بر عدالت اجتماعی باشد: «چراکه هدف نجات ملت است، اجرای عدالت اسلامی و برقراری حکومت الهی بر پایه‌ی محکم عدل است» (موسوی خمینی، 1386، 3: 455)

از نظر امام علیه السلام چون سعادت انسان بر پایه عدالت است و عدالت یک فضیلت اخلاقی است؛ پس حکومت باید برای رساندن انسان به سعادت و فضیلت از عدالت سرچشمه بگیرد. امام خمینی علیه السلام عدالت و برقراری آن را مربوط به یک نهاد خاص مانند قوه قضاییه و زیربخش‌های آن نمی‌داند بلکه سایر ارگانها و نهادها اعم از مجلس و دولت و ... را نیز مشمول آن عنوان می‌کنند و عقیده دارند هیچ نهاد و یا ارگانی حق رفتار غیراسلامی با مردم را ندارد. (موسوی خمینی، 1386، 17: 140)

ایشان در هر موقعیتی دغدغه‌های خود را در زمینه رعایت عدالت اجتماعی در امور حکومتی به مسئولان بخش‌های مختلف نظام اعم از قوای مجریه و مقننه و قضاییه انتقال می‌داد و از آنها می‌خواست که توجه جدی و ویژه‌ای به این امر مهم داشته باشند.

7 - 2. کسب استقلال و قاطعیت

امام خمینی علیه السلام کسب استقلال و قاطعیت در عمل و تفکیک وظایف و اختیارات قوای سه گانه را مورد تأکید و توصیه می‌دهند؛ برای مثال درباره قوای سه گانه به طور کلی می‌گوید که این قوا شعب مختلف حکومت اسلام هستند و باید همه به آن توجه نمایند. ایشان برای هر یک از این شعب وظایف خاصی قائل است که باید آن را انجام دهند. (موسوی خمینی، 1386، 19: 152)

از این رو کارکرد قوه مقننه و مجلس شورای اسلامی را این می‌داند که نمایندگان مردم در مقام

ایفای وظایف خود و با تصویب قوانین مورد نیاز جامعه، به سیاست‌گذاری بپردازند و آنها را برای اجرا در اختیار قوه مجریه قرار دهند: «اعضای محترم مجلس شورای اسلامی ... با تعهد و جدیت خود می‌توانند خط مشی دولت را هر چه بهتر تعیین کنند» (موسوی خمینی، 19: 153) از سوی دیگر، قوه مجریه نیز موظف به اجرای سیاست‌گذاری‌هایی است که در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است: «خط مشی و برنامه قوه مجریه به صورت اساسی و کلی توسط قوه مقننه ترسیم و طرح ریزی می‌شود و قوه مجریه در این زمینه نمی‌تواند به دلخواه و مستبدانه عمل کند.» (موسوی خمینی، 19: 1386)

ایشان درباره وظایف و اختیارات قوه مجریه عقیده داد که وظایف این قوه بسیار زیاد و حجم کارهایشان عظیم است و چنان‌چه اگر از روی شایستگی و نیت خالص و دل‌سوزی برای ملت و محرومین انجام شود را بسیار ارزشمند دانسته، به طوری که اجر معنوی آن را جز خداوند کسی نمی‌تواند مورد سنجش قرار دهد. (موسوی خمینی، 19: 156)

در هر صورت، قوای مقننه و مجریه از یکدیگر مستقل‌اند و کارکرد متمایزی دارند، اما این قوه مقننه است که به سیاست‌گذاری می‌پردازد و آن را برای اجرا در اختیار قوه مجریه قرار می‌دهد. در واقع می‌توان گفت قوه مجریه گرچه دارای اختیارات گسترده‌ای است؛ اما قوه مقننه، به عنوان نمایندگان مستقیم مردم است که بر قوه مجریه مقدم است و اساس برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها را در قالب قانون در اختیار قوه مجریه می‌گذارد و قوه مجریه نمی‌تواند به دلخواه و مستبدانه و بدون نظر مجلس شورای اسلامی عمل کند.

امام خمینی قوه قضاییه را نیز مصون از هر گونه دخالت دیگر نهادها و اشخاص می‌داند و بر این باور است که این قوه مستقل است و استقلالش به این معناست هیچ کس حق دخالت در آن را ندارد و دخالت در امور این قوه خلاف شرع است. ایشان دخالت دولت و مجلس در وظایف و امور قوه قضاییه را باعث رسیدن صدمه به آن می‌دانند و از دو قوه دیگر و مردم می‌خواهند که از آن حمایت کنند. (موسوی خمینی، 19: 121)

7 - 3. برقراری و حفظ قانون و مقررات اسلامی

قانون، مبنای رفتارهای اجتماعی افراد در نظامهای دموکراتیک است و نهادهای قانونی نیز متولیان امور مردم هستند. مردم در زیر سایه قانون در آرامش به سر می‌برند و هیچ نهاد یا فردی نمی‌تواند برخلاف قانون عمل کند. از این رو، امور و برنامه‌های کشور تابع امیال و خواسته‌های افراد نیست و حدود و اختیارات همه نهادها و زمامداران را قانون مشخص می‌کند. امام خمینی نیز به طور دقیق به

حاکمیت قانون اعتقاد داشتند و معتقد بودند که «حکومت اسلام، حکومت قانون است» (پهلوان، 1379: 41).

قانون هم مبنای نهادینگی سیاسی و هم مبدأ عمومیت حقوق و حقوق عمومی مردم است. از هر دو حیث، قانون و قانونمندی نقش تعیین کننده‌ای در کارآمدی و کارآمدسازی دارد و در صورت عادلانه و کارآمد بودن قانون، این کارآمدی قانونی ارتقا می‌یابد (صدرای و کرم زادی، 1388: 127). امام خمینی ؑ در جایی دیگر درباره لزوم حاکمیت قانون در کشور و اعمال قانون در مورد همه افراد عقیده دارند که اگر در یک کشوری قانونی عمل نشود مخصوصاً قانونی که قانون اسلام باشد، نمی‌توان این کشور و مملکت را اسلامی دانست. مخالفان با قانون مخالفان با اسلام‌اند. ایشان مخالفت با مصوبات مجلس، دانسته و یا ندانسته را مخالفت با اسلام می‌دانند و توصیه می‌کنند اگر همه اشخاص، نهادها و ارگان‌ها و ... تابع و خاضع به قانون باشند هیچ اختلافی به وجود نمی‌آید. (موسوی خمینی، 1386، 14: 414)

حضرت امام احکام حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را احکام اسلام و قانون آن را قانون اسلام معرفی می‌نمایند و مقصد را حکومت قانون اسلام می‌داند نه صرفاً اسلامی شدن رژیم. ایشان حتی حکومت پیامبر α و حضرت امیر β را حکومت قانون معرفی می‌نمایند، قانونی که از طرف خدا آنها را بر سرکار آورده است. پس بنابراین در یک حکومت قانون حکم می‌کند و غیر قانون کسی حکومت نمی‌کند. (موسوی خمینی، 1386، 8: 281)

کمال مطلوب حضرت امام در زمینه قانون اساسی، تبعیت همه افراد و مسؤولان از آن بود و بارها، چه قبل از انقلاب اسلامی و چه پس از آن، بر ضرورت حاکمیت قانون در جامعه تأکید می‌کردند و فرمودند: «همه روی قانون عمل بکنید قانون اساسی را باز کنید، و هر کس مرز و حد خودش را تعیین کند. به ملت هم بگویند که قانون اساسی ما برای دولت این را وظیفه کرده است؛ برای رئیس جمهور این را؛ برای مجلس این را و ...» (موسوی خمینی، 1386، 14: 380)

8. راه درمان برای آسیب‌ها و چالش‌های سیاسی داخلی از جانب امام خمینی ؑ

8-1. عمل به اسلام و احکام اسلامی

در اندیشه امام خمینی، اسلامی بودن ماهیت حکومت و دولت یک شاخصه و اصل مهم است. از این رو اگر بخواهیم یک نظام سیاسی مطلوب و کارآمد داشته باشیم باید به اسلام و احکام آن عمل کنیم: «اسلام همه چیز دارد؛ اسلام هم دنیا دارد، هم آخرت دارد، اسلام همه بُعدها را نظر به آن دارد. حکومت اسلامی مثل حکومت‌های دیگر نیست که فقط به یک بُعد نظر داشته باشند.» (موسوی

خمینی، 1386، 13: 366)

در حکومت اسلامی، گرچه سعادت دنیا و آخرت برای بشر تضمین شده، اما شرط لازم برای آن اجرای تمام و کمال اسلام است. یعنی آن‌طور که بر نبی اکرم^ص نازل شده و توجه مردم و مسئولین نظام به همه ابعاد آن است.. بی‌گمان توجه و عمل به این مؤلفه‌ی بنیادی از سوی مسئولین و کارگزاران نظام می‌تواند باعث بالا رفتن کارآمدی نظام اسلامی خواهد شد.

امام خمینی ملاک پذیرش یا عدم پذیرش یک اداره یا نهاد و یک رییس در اداره جامعه را عمل نمودن او بر اساس اسلام می‌داند و خلاف آن را نمی‌پذیرد. (موسوی خمینی، 1386، 8: 284)

ایشان درباره عمل به احکام و قوانین اسلامی جهت‌گیری کلی قوای سه‌گانه را به سمت و سوی هدفها و ارزشهای اسلام می‌داند و عقیده دارد افرادی که در مجلس شورای اسلامی مهم‌ترین مقام را دارا هستند و یا اشخاصی که در قوه قضاییه و شورای قضایی مشغول به خدمت هستند و هم چنین مجریان قانون در قوه مجریه باید توجه نمایند که قانون، قانون اسلام است و آنها مسئول عمل به آن هستند (موسوی خمینی، 1386، 16: 278)

ایشان در جایی دیگر تأکید می‌کنند که باید برای پیاده‌سازی و اجرای احکام و قوانین قضایی و سیاسی و ... اسلام همگی تلاش کنیم و در جهت حرکت به سوی اسلام کوشش نماییم. (موسوی خمینی، 1386، 16: 279)

8-2. قانون‌گرایی

در نظام‌های سیاسی یکی از مهم‌ترین مبانی اجتماعی قانون و قانون‌گرایی است. قانون از دیرباز تاکنون مورد توجه بسیاری از جوامع و ادیان علی‌الخصوص اسلام بوده است.. توجه به قانون و قانون‌گرایی از سوی نظام سیاسی و کارگزاران و مسئولان باعث کارآمدی این نظام و نیز ارتقا و پیشرفت آن خواهد شد. امام خمینی همواره یکی از مواردی که بسیار بر آن تأکید داشت اهمیت به قانون و قانون‌گرایی است. ایشان همه افراد و مسئولین حکومتی را تابع قانون می‌دانستند و حکومت اسلامی را حکومت قانون برمی‌شمردند و منشأ پیدایش این قانون را عدالت الهی عنوان می‌نمایند. (موسوی خمینی، 1386، 9: 425)

ایشان برقراری عدالت را هدف جامعه‌ی اسلامی و قانون‌گرایی را راه رسیدن به این هدف می‌داند که در صورت تحقق، باعث تربیت انسان کامل و فاضل می‌شود: «اسلام به قانون نظر «آلی» دارد، یعنی، آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند» (موسوی خمینی، 1357: 94 - 95).

پایبندی قانون‌گذاران و مجریان قانون به قوانین و ضوابط پذیرفته شده از سوی جامعه، یکی از عوامل اساسی کارآمدی و پایداری آن قانون‌گذاران و مجریان تلقی می‌شود. بنابراین امام w همه مردم و مسئولان را به رعایت قانون اساسی و ضوابط اسلامی فرا خوانده می‌فرماید: «همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید» (موسوی خمینی، 1386، 14: 377)

اساساً به اعتقاد امام w ، برای ملت در سراسر کشور هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست در کارهایی که به او سپرده شده، بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد (موسوی خمینی، 1386، 21: 422) چرا که چنانکه ایشان تأکید نموده‌اند، قانون همواره موجب آرامش خاطر و به نفع مصالح مردم هست و تنها دزدها و خلافکارها و دیکتاتورها هستند که از آن فراری هستند، اما زمامداران اسلامی که خود را امین و خدمتگزار مردم می‌دانند، باید همواره پایبند به قانون و ضوابط اسلامی بوده و آن را در همه سطوح جامعه به دقت به اجرا بگذارند و پاسدار آن باشند (موسوی خمینی، 1386، 14: 414 - 415) تا مردم نیز به قوانین و مقررات ایمان و عقیده داشته و در اجرای آن مددکار دولت باشند.

8 - 3) مردم‌گرایی

حضرت علی β از قول حضرت رسول α می‌فرماید: «لن تقدس امه لا یؤخذ للضعیف فیها حق من القوی غیر منتتبع» (نهج البلاغه، نامه 53). «جامعه‌ای که در آن حق محرومان و ضعیفان از قدرتمندان بازستانده نشود، افرادش هیچ گاه روی سعاد و خوشبختی را نخواهند دید». از مهم‌ترین و اساسی‌ترین راه‌ها و مؤلفه‌ها برای ارتقا و بالابردن سطح کارآمدی نظام سیاسی مردم‌گرایی و توجه به مردم است. در اندیشه‌ی امام خمینی، مردم‌گرایی به طرق گوناگون نمود پیدا می‌کند که به دو نمونه از آنها اشاره می‌نماییم:

8 - 3 - 1) خدمتگزاری

برجسته‌ترین امتیاز نظام مردم‌سالاری دینی بر سایر نظام‌های سیاسی خدمتگزار بودن کارگزاران آن است. امام خمینی w در این زمینه عقیده دارند:

«خدمتگزار باشید به این ملتی که آن دست‌های خیانتکار را قطع کرد و این امانت را به شما سپرد .. در هر صورت آنی که برای شما مهم است خدمت کردن به همه طبقات خصوصاً مستضعف‌ها، خصوصاً محرومینی که در طول تاریخ محروم بوده‌اند این بیچاره‌ها. باید خدمت کنید و خدمتتان را بگویید به آنها، و وقتی گفته می‌شود، عمل دنبالش باشد» (موسوی خمینی، 1386، 18:

رهبر کبیر انقلاب خدمت به مردم را خدمت به اسلام می‌داند و آن را عبادتی بزرگ برمی‌شمارد و می‌فرماید: «و ما مطمئنیم که این اجزایی که الآن [در] مجلس هست، [در] حکومت هست، [در] قوه قضائیه هست، [در] نهادهای انقلابی هست؛ همه اینها، اینها همه می‌خواهند برای خدا کار کنند، برای اسلام می‌خواهند کار بکنند» (موسوی خمینی، 1386، 16: 189). «... خدمت به خلق خدا، عبادتگاه است. و خداوند این عبادتگاه را برای شما حفظ کند و شما را موفق کند که به این عبادت بزرگ، که خدمت به جمهوری اسلامی و خدمت به مردم است، بیشتر موفق بشوید» (موسوی خمینی، 1386، 16: 333) به طور کلی در اندیشه امام خمینی کارآمدی سیاسی حکومت و نظام سیاسی در دگرو دسترسی به هدف خدمتگزاری به مردم است.

8 - 3 - 2) مشارکت مردم در دولت

از ویژگی‌های مهم نظام‌های مردم‌سالار توجه به رأی مردم و مشارکت دادن آنها در اداره مملکت است. در واقع یکی از عوامل کارآمدی نظام سیاسی، مردمی بودن حکومت و مشارکت آنها در امور مختلف کشور است. امام w عقیده داشتند نظام سیاسی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند در مسائل سیاسی و اجتماعی و ... کاری بکند. در اندیشه ایشان حکومت بدون حمایت مردم از انجام وظایف خود ناتوان خواهد بود و پایداری و استقامت خود را از دست خواهد داد.

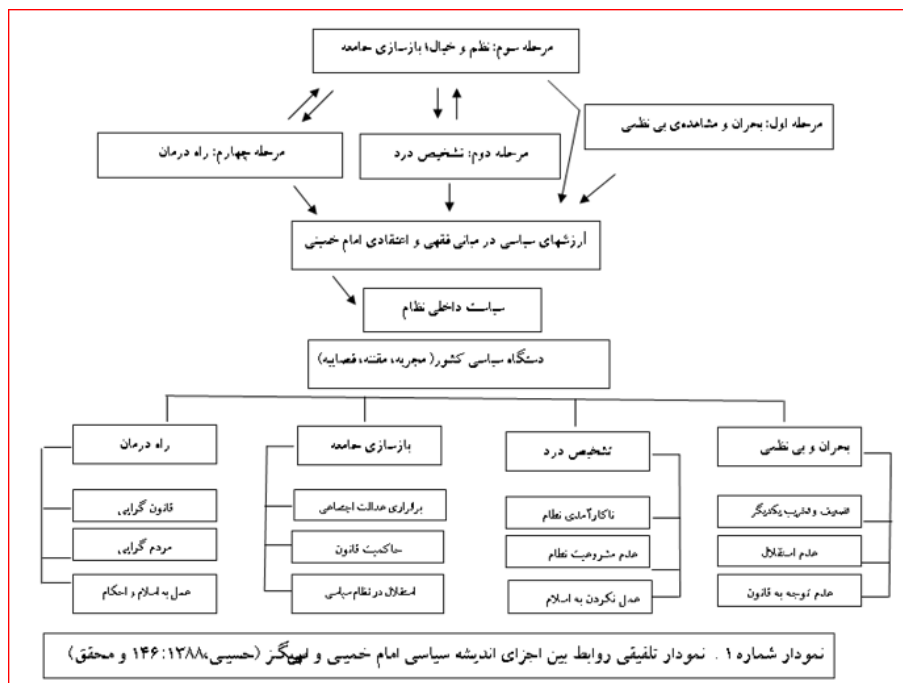
در اندیشه و سیره‌ی امام، مشارکت مردمی به عنوان یک مسئله‌ی اصلی، اساسی و تعیین کننده در حوزه‌ی تعیین سرنوشت مشترک عمومی مورد توجه و عنایت کامل قرار گرفته است.

مشارکت مورد نظر امام، مشارکتی همه جانبه و در تمام ابعاد جامعه اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... و از سوی همه‌ی مردم جامعه است که او از آن تحت عنوان مشارکت کامل همه‌ی مردم یاد می‌کند و اصلاحات جامعه، تأمین استقلال مملکت و آزادی مردم را در سایه‌ی آن می‌داند (موسوی خمینی،

1386، 5: 155)

امام به مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی توصیه می‌کنند که مردم را شریک خود بدانند و توجه کنند بدون همراهی آنها نمی‌توانند کاری بکنند چرا که قوای سه گانه عامل مردم هستند. (موسوی خمینی، 1386، 20: 55) «و بدانند که یک دولت تا شرکت مردم نباشد، نمی‌شود اداره صحیح بشود ... وقتی آنها دیدند که شما می‌خواهید همکاری کنید با آنها، آنها هم همکاری می‌کنند با شما ... بی همکاری این قشرهای مختلفی که هستند، کار از پیش نمی‌رود. باید آنها هم وارد

باشند در کار و کمک کنند» (موسوی خمینی، 1386، 19: 409)



نتیجه گیری

در این مقاله درصدد بررسی چالش‌ها و آسیب‌های داخلی فراروی انقلاب اسلامی از نظر امام خمینی در چارچوب مراحل اندیشه سیاسی اسپریگنز برآمدیم. در ابتدا به مقدمه و سپس به مراحل چهارگانه‌ی بحران در اندیشه امام پرداخته شد. در مرحله اول که مشاهده بی‌نظمی و بحران می‌باشد، مهم‌ترین بحران‌ها و چالش‌های داخلی که از جانب دستگاه سیاسی کشور و قوای سه‌گانه انقلاب را تهدید می‌نماید از نظر امام بدین صورت است: تضعیف و تخریب یکدیگر، عدم استقلال و قاطعیت در عمل، عدم قانون‌گرایی و توجه به قانون و پس از مرحله اول و مشاهده بی‌نظمی و بحران امام خمینی به دنبال ریشه‌ها و تشخیص علل این بحران‌ها گام برمی‌دارد و در این مرحله مهم‌ترین علل بحران‌ها را عمل نکردن به اسلام و احکام آن (منطبق نبودن عملکردها با احکام اسلامی)،

ناکارآمدی نظام سیاسی شامل: (عمل نکردن به قانون، مردمی نبودن حکومت، عدم شایسته‌سالاری، بی‌توجهی به مصلحت نظام، عدم مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی) عنوان می‌نمایند. امام خمینی پس از تشخیص علل به دنبال ساختن جامعه‌ی آرمانی و مطلوب داخلی مورد نظر خود است که در آن این بحران‌ها و چالش‌ها وجود نداشته باشد. از نظر ایشان این جامعه باید دارای این ویژگی‌ها باشد: برقراری عدالت اجتماعی، کسب استقلال و قاطعیت، برقراری و حفظ قانون و مقررات اسلامی و در مرحله آخر امام خمینی به ارائه راه‌حل و درمان برای این دردها و بحران‌ها می‌پردازند و مهم‌ترین راه‌حل‌ها را اینگونه بیان می‌نمایند: عمل به اسلام و احکام اسلامی، قانون‌گرایی، مردم-گرایی (خدمتگزاری، مشارکت مردم در دولت و ...)

منابع

1. نهج‌البلاغه
2. اراکی، محسن (1389)، "جایگاه مردم در نظام حکومتی اسلام"، فصلنامه رواق اندیشه، شماره 6، ص 3 الی 16
3. اسپریگنز، توماس (1370). *روش فهم اندیشه‌های سیاسی*. فرهنگ رجایی. ویراست دوم. تهران: انتشارات آگاه
4. اکبری معلم، علی (1383). "مشروعیت و مقبولیت ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی". فصلنامه علوم سیاسی. سال هفتم. شماره 25
5. پهلوان، عاطفه (1379). *آزادی و دموکراسی در اندیشه امام خمینی*. تهران: ذکر
6. جمشیدی، محمد حسین (1388). *اندیشه سیاسی امام خمینی*. ج دوم. تهران: انتشارات عروج. انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
7. ----- (1379). "ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی". فصلنامه متین. سال دوم. شماره 9
8. حسینی، حسین (1388). *رهبری و انقلاب (نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی)*. تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
9. حشمت زاده، محمدباقر (1371). *چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران*. تهران: انتشارات دانش و اندیشه معاصر.

10. ذوعلم، علی (1384). "تأملی در مفهوم چالش؛ واژه چالش در ادبیات اجتماعی و فرهنگی ایران". ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران. سال چهارم. شماره 36
11. رضوانی، محسن (1384). "کارآمدی حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی". فصلنامه تخصصی مطالعات انقلاب اسلامی. شماره 1
12. رنی، آستین (1374). حکومت. ترجمه لیلی سازگار. تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران. چاپ اول
13. سلیمان‌نژاد، عباس (1379). "مشروعیت در حکومت اسلامی". نشریه حضور. شماره 32 کد مطلب 53823
14. صدرا، علی‌رضا و کرم‌زادی، مسلم (1388). "بررسی کارآمدی حکومت از دیدگاه امام خمینی". فصلنامه حکومت اسلامی. سال چهارم. شماره 14
15. عیوضی، محمدرحیم (1388). چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
16. قائدی، محمدرضا (1383). "مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی". مجله راهبرد. شماره 31
17. موسوی خمینی، 1386، روح الله. (۱۳۸۶). صحیفه نور، نرم افزار مجموعه آثار حضرت امام خمینی
18. ----- (بی تا). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). قم: انتشارات آزادی
19. ----- (1357). ولایت فقیه. تهران: انتشارات امیرکبیر